

## نظام یارانه ها و اقدامات جبرانی در سازمان جهانی تجارت

جهانی شدن موضوع روز ادبیات سیاسی، تجاری و فرهنگی در جهان شده است. هر از گاهی شاهد تظاهرات و مخالفت های گروه های مختلف هستیم که علیه روند جهانی شدن شعار می دهند. بدیهی است جهانی شدن **پدیده** جدیدی نیست و ریشه در قرن ها تاریخ بشریت دارد. آنچه باعث شده است که در سال های اخیر توجه اذهان عمومی به آن معطوف شود سرعت گیری تغییرات در روند آن است.

جهان در طول زمان مرتباً برای انسان ها کوچک و کوچکتر شده است. رام کردن ستور و اختراع چرخ اولین گام بسوی روند کوچک سازی زمین به شمار می رفت. شناخت دریاها و توان کشتیرانی بالاخره توانست چهار گوشه جهان را به هم بدوزد. الکترونیک، مخابرات و ماهواره ها گامهای نهایی را در این زمینه برداشتند.

با گشوده شدن مرزها، هر ملتی آنچه از منابع طبیعی، مصنوعات، تکنولوژی و علوم و فنون در اختیار دارد به جهانیان عرضه می نماید. بدین ترتیب، عملاً تمام انسانها امکان استفاده از تمام آنچه را که در زمین وجود دارد خواهند داشت.

آنچه در ادبیات اقتصاد و تجارت جهانی مطالعه می کنیم نیز در واقع برداشتی علمی از این وضعیت است. نظریه های مختلف که بر افزایش مطلوبیت کسب شده توسط مصرف کنندگان به دلیل گسترش تجارت دلالت دارند همگی مبین این واقعیت هستند که با دسترسی همگان به تمامی امکانات تولیدی و طبیعی، رفاه جوامع بشری افزایش می یابد. کاهش تعرفه های کالائی و خدماتی و حذف موانع غیر تعرفه ای موجبات گسترش روزافزون تجارت را فراهم آورده و امکان دسترسی به بازارهای جدید را در اختیار تولیدکنندگان قرار می دهد.

این روند رو به رشد تجارت همان است که آن را با نام جهانی شدن تجارت می شناسیم. بر خلاف روند جهانی شدن در دیگر زمینه ها که به نظر می رسد جریانی آزاد و تابعی از تحولات تکنولوژیک باشد، جهانی شدن تجارت به صورتی منسجم و مدیریت شده بوده است. مقررات گات ۱۹۴۷ با تکیه بر کاهش و حذف تعرفه ها، تأکید بر اصل دولت کامله الوداد که بازار کشورها را به روی محصولات دیگر اعضا می گشاید و تکمیل آنها با اصل رفتار ملی که از دولتها می خواهد با محصولات وارداتی رفتاری برابر با رفتار خود با تولیدات داخلی داشته باشند، عملاً زمینه ساز جهانی شدن تجارت بوده است. تأسیس سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۵ و جایگزینی آن به جای گات، روند جهانی شدن تجارت را سرعتی چند برابر بخشید. مقررات نسبتاً کامل و جامع این سازمان، آزادی تجارت را به بالاترین سطح ممکن در طول حیات بشری پس از تشکیل اولین دولت ها رسانده است.

بدیهی است که توان بهره گیری ملتها از شرایط جدید بستگی تام به شناخت آنان از رفتار دیگر کشورها و همچنین دانش آنها از مقررات حاکم بر این سازمان دارد. زیرا زمانی می توان بازیگر خوبی در میدان رقابت جهانی بود که بر قوانین این بازی احاطه کامل داشت. در این مقاله سعی در شناخت کلی یکی از موافقت نامه های متعدد سازمان جهانی تجارت که ناظر بر نحوه دخالت دولت ها در بازارهای کشور خود و مشارکت در بازارهای دیگر کشورهاست داریم.

"موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی" به طور اجمالی از یک سو مقررات پرداخت یارانه از طرف دولتها به صنایع و بخشهای مختلف اقتصادی کشور خود و از سوی دیگر روشهای مقابله

با یارانه های مخرب دیگر کشورها را تبیین و برای حفظ شرایط تجارت منصفانه تلاش می نماید.

## نگاهی به موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی

### هدف موافقت نامه:

از متن موافقت نامه چنین استنباط نمی شود که اعضا قصد محدود کردن فعالیت دولتها را داشته باشند، بلکه آنچه منظور نظر است:

۱. ممنوع یا محدود کردن آن دسته از یارانه هایی است که به تجارت خارجی دیگر اعضا لطمه وارد ساخته و رقابت منصفانه را خدشه دار می سازد؛

۲. مشخص کردن راهها و اقداماتی است که اعضای صدمه دیده از یارانه های عضو دیگر می توانند به کار بندند تا تأثیرات این یارانه ها را به کلی حذف یا به حداقل برسانند.

مقررات یارانه ای دور اروگونه که در موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی بیان شده و پذیرش آن برای تمام اعضا الزامی است، با مجموعه مقررات دور توکیو درباره یارانه ها تفاوت بسیاری دارد و علیرغم اینکه هنوز انتقاداتی به آن وارد است و جای بهبود و پیشرفت بیشتری دارد، بسیار بهتر تدوین شده است. مفاد موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی در واقع بر پایه چارچوب نظری بنا شده است که در دور توکیو مطرح شد ولی مذاکره کنندگان موفق نشدند بدان دست یابند و آن چارچوبی است که به نام "دیدگاه چراغ قرمز، سبز، زرد" شناخته می شود.

این موافقت نامه به اندازه ای گسترده و دقیق تدوین شده که برای اکثر مقاصد از مفاد مواد ۶ و ۱۶ گات پیشی گرفته و جایگزین آنها شده است. با این حال، بنظر میرسد که مواردی وجود داشته باشد که هم چنان مواد ۶ و ۱۶ گات ۱۹۹۴ محل ارجاع باشند. نباید فراموش شود که بنظر بسیاری، درخصوص ارتباط مواد گات با موافقت نامه های دور اروگونه نوعی ابهام وجود دارد، ولی از آنجا که موافقت نامه ها یارانه ها و اقدامات جبرانی چارچوبی کامل تر و همه جانبه تر نسبت به مواد ۶ و ۱۶ به دست داده است، تردیدی نیست که در خصوص مسائل یارانه ای، موافقت نامه مذکور نقطه شروع خواهد بود.

بخش اول موافقت نامه، حدود موافقت نامه را تبیین می نماید. تعریف « یارانه» و توضیح مفهوم « خاص بودن» در این قسمت ارائه می گردد.

### تعریف یارانه:

ماده یک موافقت نامه، یارانه را چنین تعریف می کند:

« از لحاظ موافقت نامه حاضر، به شرطی پذیرفته می شود یارانه وجود دارد که:

کمک مالی دولت یا هر رکن عمومی (دولتی) در قلمرو یک عضو ( که در موافقت نامه حاضر «دولت» خوانده می شود) وجود داشته باشد، یعنی در مواردی که:

۱- عمل دولت متضمن انتقال مستقیم وجوه ( مثلاً کمک های بلا عوض، وام و تزریق سرمایه )، انتقالات بالقوه مستقیم وجوه یا تعهدات باشد (مثلاً تضمینات وام)؛

۲- درآمد دولت که در شرایط دیگر وصول می شد، وصول نشود یا از آن چشم پوشی گردد ( مثلاً مشوق های مالی مانند اعتبارات مالیاتی)؛

۳- دولت کالاها یا خدماتی را به جز در ارتباط با زیر ساخت کلی، تدارک یا کالاهایی را خریداری نماید؛ «

و تمام اینها به شرطی است که نفعی منتقل شده باشد.

یارانه اولین بار تنها در دور اروگوئه تعریف شد و بدین ترتیب یکی از ضعفهای اساسی توافقات یارانه ای - از جمله در توکیو - از زمان تشکیل گات در سال ۱۹۴۷ بر طرف گردید. این تعریف سه مؤلفه اصلی دارد که عبارتند از :

- ۱- وجود کمک مالی،
- ۲- توسط یک دولت یا بخش عمومی در قلمرو یک عضو،
- ۳- که منجر به انتقال نفع گردد.

برای اثبات یارانه هر سه شرط باید وجود داشته باشند. اعضا تنها پس از مذاکرات طولانی به این نتیجه رسیدند که شرط «کمک مالی» در موافقت نامه ظاهر گردد، بعضی معتقد بودند یارانه زمانی وجود دارد که مبلغی از حساب بخش عمومی هزینه گردد. دیگران بر این باور بودند که هر شکلی از مداخله دولت که منجر به اختلال در رقابت شود باید یارانه تلقی گردد، ولو اینکه برای بودجه عمومی هزینه ای در بر نداشته باشند. از تعریف فعلی یارانه در موافقت نامه آشکار است که نظر گروه اول مورد توافق قرار گرفته و بنابراین در ماده یک تصریح شده است که باید حتماً کمک مالی وجود داشته باشد و برای روشنی بیشتر موضوع سیاهه ای از اقدامات مختلف از جمله کمک بلا عوض، وام، تزریق سرمایه، تضمین وام، مشوق های مالی ... به عنوان مصادیق کمک مالی ذکر گردیده است.

برای اینکه کمکی مالی، یارانه محسوب شود باید توسط یا به هدایت دولت/ بخش عمومی در قلمرو یک عضو انجام گرفته باشد. بنابراین مقررات موافقت نامه نه تنها به اقدامات دولت مرکزی بلکه به اعمال شاخه های محلی دولت یا شرکت هایی که مالکیت آنها دولتی است نیز تسری می یابد.

برابر شرط سوم، کمک مالی دولت زمانی قطعاً یارانه محسوب می شود که منجر به انتقال نفع گردد. در خیلی از موارد - به خصوص در مورد کمک نقدی- وجود نفع و اندازه آن آشکار است ولی در موارد دیگر از جمله اهدای وام یا تزریق سرمایه موضوع پیچیده شده تشخیص میزان نفع منتقل شده به سادگی امکان پذیر نیست. با اینکه ماده ۱۴ موافقت نامه توضیحاتی کلی در مورد اینکه چه اقداماتی منجر به انتقال نفع می شوند به دست می دهد، ولی موافقت نامه به طور صریح و کامل نحوه محاسبه مقدار نفع منتقل شده را نشان نمی دهد. با این حال، از حکم های صادر شده در رکن حل اختلاف می توان نتیجه گرفت که معیار اصلی تعیین میزان نفع منتقل شده، قیمت ها و روال موجود در بازار است.

### خاص بودن یارانه

برای اینکه بتوان علیه یارانه ای دست به اقدام جبرانی زد، آن یارانه باید برابر ماده ۲ موافقت نامه، یارانه ای خاص باشد. منظور از خاص بودن این است که یارانه در اختیار بنگاهی خاص، گروهی از بنگاهها یا صنعتی خاص قرار گرفته باشد. در موافقت نامه در این خصوص چنین آمده است: اصل اساسی در خصوص یارانه این است که یارانه ای که تخصیص منابع در یک اقتصاد را مختل می سازد باید مورد مجازات واقع شود. زمانی که یارانه ای به صورت فراگیر در اقتصادی در دسترس باشد فرض بر این است که اختلال در تخصیص منابع به وجود نخواهد آورد و بدین ترتیب تنها با یارانه هایی که به صورت خاص هستند مقابله خواهد شد. موافقت نامه چهار دسته « خاص بودن » را از هم تفکیک می کند:

الف) تخصیص بنگاهی:

ب) **تخصیص صنعتی:** دولت بخشی یا بخشهایی خاص از اقتصاد را موضوع یارانه های خود قرار میدهد.

پ) **تخصیص منطقه ای:** دولت فقط به تولیدکنندگان در بخش خاصی از قلمرو خود یارانه پرداخت میکند.

ت) **یارانه های ممنوع:** دولت کالاهای صادراتی یا کالاهایی را که از مواد اولیه ساخت داخل استفاده کرده اند هدف یارانه ای خود قرار میدهد.

## تقسیم بندی یارانه ها

. موافقت نامه یارانه ها را به دو دسته کلی تقسیم می کند:

- ۱- یارانه های خاص:  
الف) یارانه های ممنوع  
ب) یارانه های قابل پیگیری
- ۲- یارانه های غیر خاص (غیر قابل پیگیری)

## یارانه های خاص

### الف) یارانه های ممنوع

موافقت نامه در دو بند کوتاه معیارهای کلی را برای تشخیص یارانه های ممنوع بیان می کند. این دو معیار با قید و شرطهای بسیار همراه است که تا حد مقدور سعی در روشن ساختن آنها می شود.

ماده ۲ موافقت نامه، یارانه های ممنوع را به شکل زیر تعریف می کند:  
« الف- یارانه هایی که در متن قانون یا در واقع به تنهایی یا به عنوان یکی از چند ضابطه دیگر، موکول به عملکرد صادراتی هستند.

ب- یارانه هایی که به تنهایی یا به عنوان یکی از چند ضابطه دیگر، موکول به استفاده بیشتر از کالاهای داخلی در قیاس با کالاهای وارداتی هستند.»

عبارت «در واقع» در متن اصلی به حالتی اشاره دارد که قانون اعطای یارانه، صادرات را شرط پرداخت یارانه نشناخته در حالی که در عمل پرداخت یارانه فوق به عملکرد صادراتی مشروط شده است. لازم است ذکر شود که برابر زیر نویس بند ۱ ماده ۲ صرف این که یارانه ای به بنگاهی صادر کننده پرداخت می گردد، به تنهایی دلیل کافی نیست که یارانه را جزو یارانه های ممنوع قرار دهد.

این ذهنیت ممکن است پدید آید که اگر یارانه ای به طور افقی به تمام صادرکنندگان یا استفاده کنندگان از کالاهای داخلی با وجود کالای مشابه خارجی در رابطه با عملکرد صادراتی پرداخت شود، با توجه به خاص نبودن آن قاعدتاً نباید یارانه ممنوع باشد. ولی بند ۲ ماده ۲ موافقت نامه صراحتاً این گونه یارانه ها را خاص می شناسد، ولو اینکه بنابر تعریف، خاص تلقی نگردند، هر گونه یارانه ای که در چارچوب مقررات ماده ۲ قرار گیرد، خاص تلقی خواهد شد.

ب) یارانه های قابل پیگیری

بیشتر یارانه ها، از جمله یارانه های تولیدی در رده یارانه های قابل پیگیری قرار می گیرند. یارانه های قابل پیگیری ممنوع نیستند ولی چنانچه پرداخت آنها منجر به تأثیر سوء بر منافع عضو دیگر شود، این امکان وجود دارد که از طریق نظام حل اختلاف چند جانبه یا از طریق اقدامات جبرانی یک طرفه با آنها مقابله گردد. ماده ۵ موافقت نامه سه نوع اثر سوء را بر می شمرد:

اول- لطمه ای به صنعت داخلی در داخل قلمروی عضو شاکی از طریق واردات منتفع از یارانه وارد آید. چنین لطمه ای پایه ای برای عمل جبرانی خواهد بود.

دوم- آسیب جدی وجود داشته باشد. آسیب جدی معمولاً به دلیل ایراد اثر سوء (مثلاً جایگزینی صادرات) در بازار کشور پرداخت کننده یارانه یا در بازار کشوری ثالث به وجود می آید. بنابراین، بر خلاف لطمه که در بازار کشور وارد کننده اتفاق می افتد، آسیب جدی مبنای شکایت برای ایراد اثر سوء به صادرات یک کشور می تواند قرار گیرد.

سوم- وارد آمدن زیان یا از بین رفتن منافع ناشی از گات ۱۹۹۴، این حالت عموماً زمانی به وجود می آید که دسترسی وسیع تر به بازار که باید از کاهش تعرفه های تثبیت شده حاصل شده باشد به واسطه یارانه محدود گردد.

## یارانه های غیر خاص (غیر قابل پیگیری)

تمام اقداماتی که در تعریف یارانه می گنجد ولی خاص نیستند در این رده قرار می گیرند. قبل از اول ژانویه ۲۰۰۰ یارانه های دیگری که خاص نیز بودند در این قسمت طبقه بندی می شدند ولی پس از مذاکراتی که بین اعضا در اجرای ماده ۳۱ موافقت نامه انجام پذیرفت تمامی این یارانه ها در رده یارانه های قابل پیگیری قرار گرفتند. این گونه از یارانه ها عمدتاً عبارت بودند از کمکهای دولت برای فعالیتهای تحقیقاتی در بنگاههای اقتصادی یا کمک های یارانه ای به مناطق محروم در چارچوب کلی طرح های توسعه ای یا حتی کمکهای دولت به بنگاهها برای افزایش توان آنها در راستای حفاظت از محیط زیست، تمامی اینها اکنون به شرط خاص بودن یارانه ای قابل پیگیری هستند.

۱- پایگاه اینترنتی سازمان جهانی تجارت ([WWW.WTO.ORG](http://WWW.WTO.ORG))

۲- مجموعه آموزشی سازمان جهانی تجارت، گروه نویسندگان دفتر نمایندگی تام الا اختیار

تجاری ج.ا.ایران (۱۳۸۵)

۳- *WTO TRAINING PACKAGE, MODULES, GATT: BASIC PRINCIPLES* (۲۰۰۶)

"بسمه تعالی"

سحر طیار

اداره کل استاندارد استان فارس

## اقدامات جبرانی

بخش بزرگی از موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی به راههای جبران و طرق مقابله با یارانه های دیگر اعضا اختصاص یافته است. اقدامات جبرانی در مقابله با تجارت نا عادلانه دارای سابقه ای طولانی بوده و حتی در قانون تعرفه سال ۱۸۹۰ آمریکا به آن تصریح شده و راه مقابله با یارانه بعضی از گونه های شکر را بالا بردن عوارض وارداتی آنها دانسته است. این قانون به علت سهولت اجرا و توانایی حذف تأثیرات منفی یارانه کشور خارجی بر صنایع داخلی کشور وضع کننده روشی متداول برای مقابله کردید، به طوری که در زمان تنظیم مواد گات ۱۹۴۷، ماده شش به موضوع یارانه های صادراتی و روش وضع عوارض جبرانی برای مقابله با تأثیرات مخرب آنها اختصاص یافت. برابر این ماده، طرف های متعاقد می توانستند در قوانین داخلی خود مقرراتی را از طریق افزایش عوارض گمرکی برای مقابله با یارانه های دیگر طرف ها وضع نمایند.

گات ۱۹۴۷ در خصوص راههای تشخیص رایانه و تعریف آن ساکت بود. به همین دلیل، کشورها تا اندازه ای به سوء استفاده از مقررات گات در خصوص وضع عوارض جبرانی روی آورده و با کوچکترین تردیدی به بهانه مقابله با یارانه به اقدام برای بالا بردن تعرفه های خود در خصوص محصول مورد نظر می پرداختند. خصوصاً آمریکا که به دلیل تبعیت از قوانین داخلی خود شرط خسارت جدی را که گات ۱۹۴۷ لازمه وضع عوارض جبرانی می دانست نادیده می گرفت، منفرداً اقدام به وضع حقوق جبرانی می نمود.

در نتیجه در دور توکیو دو راه مقابله با یارانه تعریف شد. راه اول که به روش داخلی معروف بود و با ماده ۶ گات تطابق داشت به کشورها اجازه می داد که رأساً نسبت به وضع عوارض جبرانی اقدام نمایند، در حالی که در روش دوم کشورها می توانستند با استناد به بین المللی بودن گات از طریق مراجع قضایی بین المللی اقامه دعوا نمایند.

موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی هر دو راه را تجویز می نماید. مواد ۷، ۴، و ۹ که به ترتیب بلافاصله پس از تقسیم بندی انواع یارانه نوشته شده اند، با عبارت پردازی تقریباً یکسان همگی مسیر بین المللی و تشریفات رسیدگی برای حل اختلاف را توضیح می دهند. کشور شاکی با درخواست مشورت از کشور مشتکی عنه، فرایند حل اختلاف را آغاز می کند و دعوی با صدور حکم از سوی رکن حل اختلاف پایان می یابد. قسمت پنجم موافقت نامه که حجم بزرگی را به خود اختصاص داده و مواد ۱۰ تا ۲۳ را شامل می گردد، کلاً به روش داخلی برای وضع عوارض جبرانی می پردازد. این بخش شامل نحوه اجرای ماده ۶ گات، تشریفات رسیدگی و تحقیقات لازم، نحوه آماده سازی مدارک، چگونگی انجام مشورت ها، نحوه محاسبه مقدار یارانه، راههای تشخیص لطمه، اقدامات موقتی، چگونگی حذف عوارض جبرانی وضع شده، مدت حقوق و عوارض جبرانی و راههای تجدید نظر می باشد. شرایط استفاده هر کدام از دو مسیر فوق به شرح زیر است. چنانچه یارانه ای در گروه یارانه های ممنوع قرار گیرد، هم به روش بین المللی و هم به روش داخلی می توان با آن مقابله کرد.

یارانه های قابل پیگیری که منجر به لطمه شوند را می توان هم از طریق داخلی و هم بین المللی دنبال کرد، ولی چنانچه اثر سوء آنها به شکل آسیب جدی یا از میان رفتن منافع- برابر بند ب از ماده ۵ - نمایان شود تنها راه حل بین المللی، چاره مقابله است.

تصمیم گیری در خصوص آثار یارانه های غیر قابل پیگیری- سبز- تنها به طریقه بین المللی و از مسیر کمیته یارانه ها انجام می پذیرد.

## یارانه ها در مقررات ناظر بر تجارت خدمات و حقوق مالکیت فکری

بر خلاف موضوع قیمت شکنی (دامپینگ)، یارانه اصطلاحی است که به صراحت در موافقت نامه دور اروگوئه در خصوص تجارت خدمات به آن پرداخته شده است. در این موافقت نامه، ماده ناظر بر یارانه ها- ماده ۱۵- تنها از اعضا می خواهد که « به منظور اجتناب از این اثرات انحرافی، مذاکراتی را جهت ایجاد نظامات چند جانبه » آغاز کنند. موافقت نامه عمومی تجارت خدمات همچنین مذاکره کنندگان را به بررسی « مقتضی بودن رویه های جبرانی» و همچنین « شناسایی نقش یارانه در رابطه با برنامه های توسعه ای کشورهای در حال توسعه» ترغیب می کند. ماده ۱۵ این امکان را برای هر عضوی « که بیندازد یارانه عضو دیگر اثرات سویی بر آن داشته است» فراهم می سازد که به مشاوره با عضو پرداخت کننده یارانه پردازد.

در موافقت نامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری هم که یکی از موافقت نامه های سازمان جهانی تجارت است، اشاره ای به موضوع یارانه ها نشده است.

## مشکلات موجود در تعریف یارانه ها

تعریف «یارانه» همیشه سیاستگذاران را دچار سر در گمی کرده و بخشی از علت آن نیز می تواند این باشد که برای لفظ یارانه مصادیق فراوانی برشمرده می شود. اگر «یارانه» در معنای موسع آن تعریف شود- که معمولاً می شود- حوزه وسیعی از فعالیت های دولتی را

شامل می‌گردد. به عنوان مثال، چنانچه بنا بر تعریفی اقتصادی، یارانه به معنای « نفعی تعلق گرفته به شرکتی یا کالایی ناشی از عمل دولت » معیار قرار گیرد، ارانه می‌تواند گستره ای وسیع و فراگیر از فعالیتهای دولتها مانند خدمات آتش نشانی، پلیس، حفظ و ایجاد جاده ها و حتی آموزش ابتدایی و عالی را نیز شامل گردد، زیرا مثلاً وجود خدمات خوب آتش نشانی و ایمنی مسلماً حق بیمه پرداختی شرکتها و مؤسسات را کم کرده و در نتیجه از هزینه تولید آنها کاسته می‌شود. به همین ترتیب تمامی انواع خدمات زیر بنایی اجتماعی می‌تواند از هزینه های دفتری شرکتها بکاهد و آنها را قادر سازد به قیمتهای تمام شده کمتری برای محصولاتشان برسند. مشکل اینجاست که اگر چنین تعریف موسعی برای یارانه استفاده می‌شد و قوانین بین المللی به دولتها اجازه می‌داد در مقابل یارانه با وضع عوارض جبرانی اقدام متقابل نمایند، کل دستاوردهای نظام تجارت آزاد در قالب گات در دوره پس از جنگ جهانی دوم بشدت تضعیف می‌گشت، زیرا دولتها می‌توانستند عوارض جبرانی متعددی را بر کالاهای وارداتی به دلیل بهره مندی آنها از اشکال مختلف کمکهای دولتی وضع نمایند.

بر این اساس، این مسأله مطرح می‌شود که یارانه چگونه باید تعریف شود که از اثرات منفی تعاریف موسع آن بر تجارت بین الملل جلوگیری به عمل آید. این مسأله مستقیماً با استفاده یک جانبه دولتها از عوارض جبرانی ارتباط پیدا می‌کند. همچنین باید توجه داشت که این گونه مشکلات تعریفی معمولاً در ارتباط با تعهدات بین المللی در برابر استفاده از یارانه ها به وجود می‌آید که البته عموماً در آن بستر رویه ای بین المللی وجود دارد و دولتها جایگاهی در تعریف یارانه ندارند.

برای حل این مشکل یک راه حل این است که بپذیریم اگر چه طبق تعاریف موسع، مجموعه وسیعی از فعالیتهای دولتها می‌توانند « یارانه » نامیده شوند، ولی نظام بین الملل نمی‌تواند همه این فعالیتهای را تحت کنترل درآورد، لذا باید زیر مجموعه هایی را از تعریف کلی یارانه انتخاب و بر آنها متمرکز شد.

در پس تمام این مسائل هیچگاه نباید فراموش شود که یارانه ها ابزاری کلیدی هستند که اهمیت آنها در تسهیل توان مطلقه دولتها برای انجام سیاستهای مشروع خود در راستای وظایف قانونی خود دائماً رو به افزایش است. هیچ راهی وجود ندارد که دولتها با هر تعریف موسعی بتوانند از ابزار یارانه مستغنی شوند. برای فهم این موضوع تنها لازم است اشکال مختلف یارانه را مد نظر قرار دهیم: کمک به فقرا، کمک به معلولین، کمک به افراد و مناطق محروم، کمک برای رفع ضررهای ناشی از دیگر برنامه های یارانه ای، امنیت ملی و غیره.

هر چند بسیاری از یارانه ها- از جمله یارانه های عمومی و تولیدی- اهداف مشروع حکومتی را دنبال می‌کنند، پس از اجرا ممکن است مانع دسترسی دیگر دولتها به اهداف مشروعشان برای تضمین منافع تولیدکنندگان خود گردد. لذا در اینجا ممکن است شاهد تقابل اهداف سیاستها باشیم: از یک سو دولتها دلایل مشروعی برای پرداخت یارانه دارند ولی از سوی دیگر دولتهای دیگر نیز دلایل مشروعی برای نگرانی از واردات یارانه دار تهدید کننده صنایع آنها دارند. لذا سؤال اصلی، چگونگی ایجاد توازن بین این اهداف متعارض است. اینجاست که آزمون خسارت جایگاهی کلیدی پیدا می‌کند و به شکل یک « اصل میانجی » به دولتها برای یافتن پاسخی برای این دو نفع متعارض یاری می‌نماید. اگر یارانه پرداخت شده ضرری به کشور واردکننده نمی‌رساند، اساساً چه دلیلی برای نگرانی وجود دارد؟ از سوی دیگر، اگر واردات یارانه دار چنان مشکلاتی در کشور وارد کننده ایجاد کنند که به آستانه « لطمه اساسی » یا « آسیب جدی » نزدیک شود، آنگاه نشان دادن نوعی واکنش به شکل مثلاً عوارض جبرانی توجیه پیدا می‌کند.

حال با دانستن مسائل فوق نگاهی مجدد به متن فعلی موافقت نامه می‌اندازیم و عوامل محدود کننده حوزه یارانه ها را بررسی می‌کنیم. موافقت نامه یارانه ها و اقدامات جبرانی دو مفهوم محدود کننده را در خود جای داده است.

اول اینکه در ماده یک تعریفی از یارانه به دست می‌دهد که در طول موافقت نامه جاری و ساری است و بدین ترتیب از تعابیر مختلف و متفاوت در موافقت نامه جلوگیری کرده و حوزه

یارانه را محدود به این تعریف می نماید- این بر خلاف « مجموعه مقررات مربوط به یارانه ها » در دور توکیو می باشد که در آن هیچ جا تعریفی از یارانه داده نشده بود. دوم اینکه در موافقت نامه، اصل « خاص بودن » مطرح شده که یک مفهوم محدود کننده است.

### منابع:

- پایگاه اینترنتی سازمان جهانی تجارت (WWW.WTO.ORG)  
- مجموعه آموزشی سازمان جهانی تجارت، گروه نویسندگان دفتر نمایندگی تام الا اختیار تجاری ج.ا.ایران(۱۳۸۵)  
- WTO TRAINING PACKAGE , MODULES,GATT: BASIC PRINCIPLES ( )